



دکتر فریدون سیامکن‌نژاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌کنیم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد. بنابراین، تصمیم گرفتم تا مسائلی به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسائلی جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

واقعاً توان اقتصادی مردم تحلیل رفته و روی همه زمینه‌های زندگی تأثیر گذار است.

یادداشت ۳

خانم تقریباً ۴۵ ساله‌ای بود و تقاضای قرص لووتیروکسین خارجی داشت که تمام شده بود. ایشان توضیح داد که قرص لووتیروکسین ایرانی را خورده و بعد از چند روز آزمایش داده و اثر خوبی از آن مشاهده نکرده است! بلافاصله هم سؤال کرد که به عقیده شما چه کار باید بکنیم؟ برای ایشان توضیح دادم که حداقل باید یک ماه قرص لووتیروکسین ایرانی را مصرف کند، تا کاملاً اثر قرص خارجی برطرف شده و بدن، خود را با فرمولاسیون قرص ایرانی تطبیق دهد. بعداً اگر آزمایش بدهید، قطعاً اثر مثبت قرص ایرانی را خواهید دید. این را هم تذکر دادم که با توجه به این که بیش از ۹۴ درصد مصرف قرص لووتیروکسین، همین نوع ایرانی هست، بنابراین، در اثر تداوم مصرف، مشکلی پیش نیامده و اثر مثبت آن را خواهید دید!

یادداشت ۴

چند داروی OTC گرفت. قیمتش که ۲۶۰۰ تومان می‌شد، از طرف تکنیسین داروخانه به ایشان گفته شد. یک اسکناس ده هزار تومانی روی پیش‌خوان داروخانه گذاشت. تکنیسین داروخانه هم هفت هزار تومان، همراه با دو عدد چسب زخم به جای ۴۰۰ تومان باقیمانده تحویل داد. مراجعه‌کننده که حدوداً ۶۰ ساله بود،

یادداشت ۱

نسخه از درمانگاه نزدیک داروخانه آمده بود و حاوی قرص پتیدین بود. ما که نداشتیم و تا آنجا هم که می‌دانم، پتیدین دارویی اورژانس برای درد، و به صورت آمپول می‌باشد. قیافه حامل نسخه هم به آدم‌های معتاد نمی‌خورد که به این منظور برایش نوشته شده باشد!

به تکنیسین داروخانه گفتم تلفنی از درمانگاه سؤال کند که چی به چی هست؟ داروخانه درمانگاه، تحلیل بامزه و خنده‌داری داشت. گفت: شاید بتادین نوشته است! تکنیسین پاسخ داد: مشکل حالا دو تا شد. مگر قرص بتادین داریم که شما چنین تحلیل و برداشتی از نسخه می‌کنید؟ به هر حال، هر دم از این باغ، بری می‌رسد!

یادداشت ۲

وارد داروخانه که شد از داخل کیفیت یک بسته دارو در آورد و گفت: این دارو را پس بگیرید. بر اساس مقررات وزارت بهداشت مبنی بر عدم پس گرفتن دارو در داروخانه، عنوان شد که دارو پس گرفته نمی‌شود. ضمناً از ایشان سؤال شد که دلیل پس دادن دارو چیست؟ ایشان عنوان کرد که دکتر گفته باید ۶ ماه این دارو را مصرف کنم، من هم به دلیل گران بودن دارو، توان این که در این مدت دارو را مصرف کنم، ندارم! به ایشان تذکر دادم که فعلاً این یک بسته دارو را طبق توصیه پزشک مصرف کنید، اگر نتیجه گرفتید، بعداً یک کاریش می‌کنید!

مشکلات اقتصادی چه در دسرهایی می‌تواند برای بیماران به وجود آورد و آن‌ها را به طرف خود درمانی سوق دهد!

یادداشت ۶

خانم مراجعه‌کننده به داروخانه، رو به من کرد و گفت: آقای دکتر! از چشم‌هایم اشک می‌آید. به شوخی گفتم: از چشم همه افراد اشک می‌آید! بلافاصله هم اشاره کردم که حتماً مقصودشان آبریزش چشم است. تأیید کرد و درخواست قطره چشمی داشت.

برای ایشان توضیح دادم که این مسأله مربوط به حساسیت فصلی است. در این موارد بهتر است از داروهای آنتی‌هیستامین یا همان داروهای ضدحساسیت استفاده کرد. یعنی در واقع، بهتر است که در این‌گونه موارد، درمان سیستماتیک صورت گیرد، تا درمان علامتی شود. یک بلیستر ده عددی قرص آنتی‌هیستامین به ایشان دادم و دستور مصرفش را هم گفتم و مریض را راهی کردم.

چسب‌ها را به سوی تکنیسین دراز کرد و گفت: به جای این چسب‌ها کپسول ژلوفن بدهید. تکنیسین به ایشان تذکر داد که ژلوفن بیشتر می‌شود. خانم هم بلافاصله گفت: می‌دانم. ولی من یک عدد ژلوفن به جای این چسب‌ها می‌خواهم! در حالی که همه حاضرین در داروخانه لبخندی بر لبانشان نقش بست، خانم مراجعه‌کننده را بدرقه کردند!

یادداشت ۵

خانمی حدوداً شصت ساله بود و آهسته به من گفت: یک دارو برای سوزش ادرار می‌خواهم! گفتم که باید حتماً آزمایش بدهد تا دلیل سوزش هنگام ادرار مشخص شود. البته، عمده دلیل سوزش ادرار، عفونت است، ولی اگر با نظر پزشک و بعد از آزمایش باشد خیلی بهتر است. با خونسردی گفت: آقای دکتر! من را راهی مطب پزشک‌ها نکنید. چون هم به دکترهای داروساز اعتقاد بیشتری دارم و هم پولش را ندارم که ویزیت بدهم و به آزمایشگاه مراجعه کنم.